



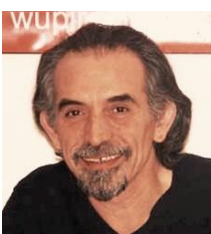
۸ مارس مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی!

صفحه 3

آذر ماجدی

بمناسبت دهمین سالگرد تشکیل سازمان آزادی زن
سمینار موقعیت زنان و جنبش اسلامی در
خاورمیانه و آفریقای شمالی برگزار شد!

چهارمین کنفرانس
سازمان آزادی زن برگزار شد!



آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است!

صفحه 5

سیاوش دانشپور



جنبش آزادی زن ۸ مارس را گرامی می دارد

۸ مارس روز اعلام همبستگی جنبش
آزادی زن در منطقه علیه جنبش اسلامی!

۸ مارس روزی است که در گوشه و کنار جهان هواداران آزادی زن یکبار دیگر تعهد خود را به مبارزه تا دستیابی به آزادی زن و برابری کامل زن و مرد اعلام میکنند. ۸ مارس به سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی بشریت مدرن بدل شده است. اکنون بیش از یک قرن است که آزادیخواهان روز ۸ مارس را گرامی می دارند.

۸ مارس برای جنبش آزادی زن در ایران فقط یک روز جهانی نیست؛ این روز دارای یک اهمیت تاریخی ویژه برای این جنبش است؛ ۸ مارس روز تولد جنبش نوین آزادی زن در ایران است. ۳۴ سال پیش، چند هفته ای پس از بقدرت رسیدن حکومت زن ستیز اسلامی، جنبش آزادی زن با یک اعتراض توده ای علیه حجاب اسلامی و زن ستیزی رژیم اسلامی ابراز وجود کرد. بمیدان آمدن توده ای زنان علیه رژیم اسلامی یک واقعه تاریخی است و انعکاسی وسیع در سطح جهان داشت. این رویداد تأثیرات پایدار خود را بر مناسبات آشتی ناپذیر جنبش حقوق زن و جنبش اسلامی گذاشت. جنبش آزادی زن طی سی و چند سال اخیر علیه رژیم اسلامی، حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و زن ستیزی اسلامی جنگیده است. این جنبش فراز و نشیب های بسیار داشته است، اما هیچگاه از پای ننشسته است و اکنون به الگوی آزادی زن در منطقه بدل شده است.

۸ مارس در ایران به یک سنت پایدار بدل شده است. تلاش های رژیم اسلامی برای مقابله با ۸ مارس و جانشینی آن با یک روز اسلامی، روز تولد فاطمه، با شکست مفتضحانه ای مواجه شد. تلاش های اخیر جنبش ملی - اسلامی برای آفریدن یک روز "ملی" زنان در تقابل با روز جهانی زن نیز راه به جایی نبرد. جنبش آزادی زن در ایران در کنار و در همبستگی با جنبش بین المللی حقوق زن در جهان ۸ مارس را گرامی میدارد. هم جنبش آزادی زن و هم رژیم اسلامی از منتهی قبل به استقبال آن میروند. رژیم

صفحه 2

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

شورای مرکزی سازمان آزادی زن



مریم افراسیاب پور، سهیلا ترکیه، چیمین دارابی، افسانه ذیجی، نوشین قادری، مریم کوشا، آدرماجدی، شهلا نوری و کریم نوری



لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است!

اسلامی به نیروهای سرکوب خود برای مقابله با این روز آماده باش می دهد، ارازل و اوباش خود را به خیابان ها برای اذیت و آزار و سرکوب زنان می فرستد. جنبش آزادی زن می کوشد راهی برای گرامیداشت این روز، علیرغم سرکوبگری های رژیم بیاید. این روز، روز تقابل جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی، یک جبهه نبرد آزادیخواهی و سرکوبگری اسلامی است.

اکنون بیش از دو سال است که خاورمیانه و شمال آفریقا، این منطقه اسلام زده شاهد خیزش عظیم توده های انقلابی علیه سرکوب و اختناق، فقر و نابرابری است. اسلامیت ها در این میان مذبحخانه میکوشند بمیزان هر چه بیشتری در قدرت سهم شوند. جنبش آزادی زن در منطقه، بویژه در تونس و مصر علیه اسلامیت ها بمیدان آمده است. تاریخ بار دیگر تکرار می شود. جنبش آزادی زن دشمن آشتی ناپذیر جنبش اسلامی است.

باید بکوشیم تا بهر شکل ممکن این روز را گرامی بداریم! از تظاهرات و اعتراض در خیابان تا جلسات سخنرانی و جشن؛ از جمع شدن در محافل کوچک تا شادباش این روز در محل کار، مدارس و دانشگاه ها و محلات. ۸ مارس روز ماست؛ روز آزادیخواهی و برابری طلبی است؛ روزیست که به دنیا اعلام می کنیم تا دستیابی به آزادی و برابری کامل زنان از پای نخواهیم نشست. در این روز باید همبستگی عمیق خود را با جنبش آزادی زن در منطقه، بویژه تونس و مصر اعلام کنیم. مبارزین این جنبش ها هم سرنوشتان ما هستند. در همبستگی با یکدیگر قدرتمند تر خواهیم شد.

سازمان آزادی زن، مبارز سرسخت آزادی بی قید و شرط و برابری کامل و واقعی زن و مرد است. سازمان آزادی زن یک لحظه از تلاش خویش برای دستیابی به این امر باز نمی ایستد. بیایید با هم، دست در دست هم، در کنار و همراه هم در این روز تعهد خود را بر استحکام و تقویت مبارزه خویش اعلام کنیم. به سازمان آزادی زن بپیوندید. سازمان آزادی زن سازمان شما است!

زنده باد آزادی و برابری
زنده باد ۸ مارس
ستم بر زن موقوف
سرکوب زن ممنوع

سازمان آزادی زن
۵ مارس ۲۰۱۳

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



می شود. به جهان بنگرید که چگونه طی سه دهه اخیر نقش مذهب در زندگی مردم افزایش یافته است؛ چگونه مذهب همچون دوران جنگ های صلیبی به کشتار انسان ها مشغول است؛ چگونه با ایدئولوژی مذهبی مردم را تکه تکه می کنند؛ چگونه با خلق یک جنبش سیاه تحت نام اسلام سیاسی، زندگی مردم یک منطقه وسیع را به ورطه نابودی کشانده اند؛ چگونه در بخشی از جهان که بیش از نیم قرن، نقش مذهب حاشیه ای شده بود، اکنون انواع و اقسام کلیسا، از کاتولیک تا ارتودوکس بجان مردم افتاده است. چگونه ایدئولوژی یهودیت و اسلامی چندین دهه است که جنایت و جنگ و خونریزی را در بخشی از جهان مشروع و مقدس جلوه داده است. و کیست که نداند، مذهب یک ایدئولوژی تماما زن ستیز است. مذهب محصول دوران عتیق است. اما امروز این مذهب همچون بخش لایتنجی ایدئولوژی حاکم در خدمت حفظ این نظام و تحکیم و تشدید زن ستیزی است.

سرمایه داری ستمکشی زن را از جوامع پیشین به ارث برد و آنرا با نیازهای خود تطابق داد؛ اما در کنار آن تحرک و مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد نیز متولد شد. جنبش برای رفع تبعیض از زنان به همان جان سختی ستمکشی زن است. در تاریخ جوامع مدرن لحظات مهمی از مبارزات وسیع و توده ای زنان برای آزادی و برابری وجود دارد. مبارزاتی که تاریخ ساز و بیاد ماندنی هستند؛ جنبش زنان علیه تبعیض و برای حقوق برابر در اروپای غربی در قرن نوزدهم که به تعیین روز جهانی زن توسط جنبش سوسیالیستی زنان انجامید؛ جنبش آزادی زن در روسیه و شوروی بدنبال انقلاب اکتبر که دستاوردها و تأثیرات

صفحه 4

۸ مارس

مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

"خانگی" توسط همسران، پدران، برادران و خانواده همسر خود هستند. از ضرب و شتم تا اسید پاشی و به آتش کشیدن سرنوشت بخش عمده زنان در دنیا را رقم میزند. قتل ناموسی، این پدیده قرون وسطایی هنوز هزاران قربانی از زنان میگیرد. به همت رشد و قدرت گیری اسلام سیاسی و جنبش های مذهبی، سنت های عتیق جنایت و زن ستیزی، همچون سنگسار احیاء شده است. شرمناک است، اما واقعیت دارد.

گفته می شود که مذهب و ارزش های کهن مردسالار مسبب موقعیت فرودست زن در جامعه امروز است. بعضا گفته می شود که مردان، بخاطر هورمون های "خشونت آفرین" شان مسبب این برده داری نوین اند. این ادعاها در مقابل واقعیت خشک و حساب دو دو تا چهارتای اقتصادی رنگ می بازند. در دنیای نوین، در قرن بیست و یک این نظام سرمایه داری است که دارد از بیحقوقی زن سود می برد؛ این بورژوازی است که جیب های خود را از قیل موقعیت تحت ستم زن در جامعه پرپول می کند؛ و این قانونمندی جان سخت نظام سرمایه داری است که بمثابة سدی محکم در مقابل دو قرن مبارزه اجتماعی برای رهایی زن قرار گرفته است. در جهانی که سود تنها محرکه آنست؛ در جهانی که حرص و ولع برای سود هر چه بیشتر بر آن حکم می راند؛ زندانها، پلیس و ارتش و یک دستگاه پیچیده ایدئولوژیک هر آن در صدد خفه کردن هر نوع گرایش انسانی برای تغییر و ایجاد یک دنیای بهتر است؛ ریشه ستمکشی زن و حاکمیت مناسبات زن ستیز و مردسالارانه را باید در مناسبات اقتصاد سیاسی جامعه جستجو کرد. این مناسبات است که مانع اصلی مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد است.

در این دنیای وارونه استثمار خشن، از مذهب و آراء عتیق برای عقب نگاه داشتن جامعه، تفرقه انداختن در میان انسان ها، سرکوب گرایشات و جنبش های اجتماعی برای رهایی و برابری با تمام قوا استفاده

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن، هستیم. اکنون بیش از یک قرن است که ۸ مارس به مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی بدل شده است. هر سال در این روز، یکبار دیگر جنبش آزادی زن و جنبش کمونیستی تعهد خویش را به مبارزه بی وقفه برای آزادی زن و برابری کامل و واقعی زن و مرد اعلام می کنند.

حدود دو قرن است که جنبش حقوق زن به شکل اجتماعی به میدان مبارزه برای برابری پا نهاده است. بیش از یک قرن از تعیین روزی بنام روز جهانی زن توسط جنبش کمونیستی می گذرد. اما هنوز زنان در تمام دنیا تحت ستم اند. به یمن مبارزات وسیع اجتماعی توسط جنبش آزادی زن و جنبش کارگری و کمونیستی در بخشی از جهان، در دنیای سرمایه داری پیشرفته، زنان به برخی از حقوق خویش دست یافته اند. این پیشروی، گرچه بسیار باارزش است اما اولاً، در متن جهانی همچون قطره ای در اقیانوس است و ثانیاً در همین کشورها نیز بخش وسیعی از زنان تحت ستم و تبعیض قرار دارند. خشونت و تجاوز هنوز یک وجه دردناک زندگی بخش وسیعی از زنان است. بعلاوه، علیرغم دستاوردهای سه چهار دهه اخیر، موقعیت بخش وسیعی از زنان از نظر اقتصادی و در بازار کار از مردان عقبتر است. دستمزد متوسط زنان حدود 20 تا 30 درصد از دستمزد مردان پایین تر است و دستیابی به برخی موقعیت های شغلی برای زنان بمراتب دشوار تر است.

علیرغم بیش از یک قرن مبارزه وسیع، توده ای و رادیکال علیه زن ستیزی و تبعیض جنسی، میلیون ها زن در جهان تحت خشونت عنان گسیخته دولتی، مذهبی و در نهاد خانواده قرار دارند. میلیون ها زن بویژه در کشورهای اسلام زده بشکل روزمره تحت اذیت و آزار ماموران مذهبی دولتی قرار می گیرند؛ دولتهای سرکوبگر و زن ستیز بطور سیستماتیک از آزار جنسی و تجاوز بعنوان سلاحی برای به سکوت کشاندن زنان معترض و ارباب علیه زنان استفاده می کنند. بعلاوه، زنان بسیاری روزمره قربانی خشونت باصطلاح

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

۸ مارس مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی!

عمیق و گسترده ای داشت؛ و جنبش رهایی زن در اروپا و آمریکای شمالی در دهه ۶۰ میلادی مهمترین فصل های مبارزه بین المللی برای آزادی زن است. اکنون خاورمیانه و کشورهای اسلام زده به مهمترین کانون مبارزه برای آزادی زن بدل شده است.

جنبش آزادی زن در ایران همراه با بقدرت رسیدن رژیم اسلامی ابعادی توده ای یافت و وارد فصل جدیدی از حیات خود شد. این جنبش بویژه در دو دهه اخیر یک لحظه از تقابل با زن ستیزی اسلامی حاکم در کشور باز نایستاده است و به سمبل اعتراض به زن ستیزی و مقاومت در برابر مردسالاری بدل شده است. بحق می توان گفت که جنبش آزادی زن در ایران الگویی برای جنبش آزادی زن در منطقه و در برابر اسلامیت ها بدست می دهد. موقعیت زنان در ایران موجبات هشپاری و آگاهی زنان در کشورهای اسلام زده را طی دو سال خیزش های توده ای اخیر فراهم آورده است. مبارزه علیه اسلامیت ها، برای رفع تبعیض از زنان و سکولاریسم بویژه در مصر و تونس کاملاً متأثر از شرایط زنان و جنبش آزادی زن در ایران است.

جنبش آزادی زن در خاورمیانه و آفریقای شمالی یک آنتی تز مهم و تعیین کننده ارتجاع حاکم است. جنبش آزادی زن یک رکن اساسی مبارزه برای آزادی، برابری و رفاه در این منطقه است. روز ۸ مارس فرصتی مناسب برای اعلام تعهد به آزادی زن و برابری کامل و واقعی زن و مرد و تحکیم تلاش برای دستیابی به این خواست در یک جامعه آزاد و برابر است.*

**زنان و مردان آزادیخواه!
برای احقاق برابری کامل
زن و مرد، برای برچیدن
طوق بردگی اسلام، به
سازمان آزادی زن
بپیوندید!**

چهارمین کنفرانس سازمان آزادی زن برگزار شد!

سازمان آزادی زن چهارمین کنفرانس تشکیلاتی خود را روز شنبه ۲۳ فوریه در شهر گوتنبرگ، سوئد، با شرکت اکثریت اعضای سازمان در خارج کشور برگزار نمود. کنفرانس پس از خوشامد گویی و انتخاب هیات رئیسه وارد مبحث گزارش شد. ابتدا آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن گزارش کوتاهی در مورد فعالیت سازمان در فاصله دو کنفرانس و نقش سازمان آزادی زن طی ده سال فعالیت ارائه داد. آذر ماجدی گفت که نقطه قوت های سازمان بسیار آشکار است. سازمان آزادی زن بعنوان یک سازمان رادیکال آزادیخواه و برابری طلب در جامعه ایران و بین المللی شناخته شده است. فعالیت های سازمان آزادی زن در جهت مبارزه علیه اسلام سیاسی، رژیم اسلامی، برای سکولاریسم، در دفاع از آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی زن و مرد، در نقد جریان های ملی - اسلامی و سکولار راست نیازی به بازگویی ندارد. آنچه کنفرانس باید بر آن تاکید و تامل کند نقطه ضعف های سازمان است. عدم برخورداری از یک ساختار سازمانی محکم، ضعف موجودیت سازمانی در ایران، انتشار نامنظم نشریات فارسی و انگلیسی مسائل مهمی است که باید در مورد آنها صحبت کنیم و تصمیمات جدی بگیریم.

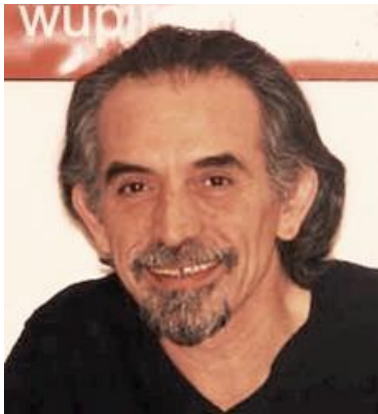
سپس شهلا نوری، مریم کوشا و کریم نوری اعضای شورای مرکزی در مورد گزارش، فعالیت سازمان آزادی زن و نقاط ضعف و قدرت آن صحبت کردند. شهلا نوری به نقش سازمان آزادی زن بویژه در سوئد در مبارزه علیه رژیم اسلامی تاکید کرد؛ تلاش سازمان برای ممانعت از حضور عاملین رژیم در سوئد، مبارزه علیه خشونت نسبت به زن و ازدواجهای اجباری، نجات زنانی که تحت خشونت قرار داشتند، اخذ اقامت برای زنان زیر قتل ناموسی از ایران و کشورهای همسایه ایران و کنفرانس های بین المللی سازمان آزادی زن صحبت کرد. مریم کوشا ضمن طرح اهداف و مطالبات سازمان تاکید کرد که در این کنفرانس باید همگی بویژه اعضای شورای مرکزی منتخب به انجام فعالیت معینی متعهد شوند و آنرا با جدیت به پیش برند. شورای مرکزی پس از کنفرانس باید مسئولین هر عرصه را تعیین کند و از این پس یک حسابرسی و گزارشدهی منظم انجام گیرد. کریم نوری در مورد سایت سازمان آزادی زن صحبت کرد و به این نکته اشاره نمود که تعداد بازدید کنندگان سایت هم بخش فارسی و هم انگلیسی بسیار چشمگیر است، تعداد کسانی که از ایران به سایت رجوع می کنند بسیار خوشحال کننده است و همین نکته نشان می دهد که باید در بهبود سایت و به روز کردن مرتب آن کوشا باشیم. پس از آن حاضرین در مورد موارد مختلف مطروحه در گزارشات صحبت کرده و نظر دادند.

بدنبال گزارش در مورد افق فعالیت آتی سازمان آزادی زن صحبت شد. تاکید بر بهبود کمبودها و تقویت نقاط ضعف سازمان ضمن ادامه خط رادیکال آن مورد تاکید قرار گرفت.

سپس انتخابات شورای مرکزی برگزار شد: مریم افراسیاب پور، سهیلا ترکیه، چیمن دارابی، افسانه نیچی، نوشین قادری، مریم کوشا، آذرماجدی، شهلا نوری و کریم نوری بعنوان شورای مرکزی انتخاب شدند. پس از پایان کنفرانس شورای مرکزی جلسه کوتاهی برگزار کرد. ابتدا انتخابات برای رئیس سازمان برگزار شد؛ آذر ماجدی با اتفاق آراء به ریاست سازمان آزادی زن انتخاب شد. بدنبال آن تقسیم کار درونی سازمان مورد بحث و تصمیم گیری قرار گرفت. مریم کوشا به سر دبیری نشریه انگلیسی و آذر ماجدی به سر دبیری نشریه فارسی آزادی زن، کریم نوری کماکان مسئول سایت و شهلا نوری بعنوان مسئول مالی انتخاب شدند.

سازمان آزادی زن
۲۷ فوریه ۲۰۱۳

اسلام ضد زن است!



سخنرانی در مراسم دهمین سالگرد تشکیل سازمان آزادی زن، گوتنبرگ، سوئد

آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است!

سیاوش دانشپور

فردا سر کار برگردد، از تولید نسل جدید کارگر برای بازار و تربیت در مکانیسم خانواده بعنوان یک واحد اقتصادی مهم جامعه موجود، همه جزو مخارج سرمایه است. همه جزئی از پروسه استثمار و هزینه ای است که باید سرمایه برای گرداندن چرخ تولید و بازتولید نیروی کار پرداخت کند. نظام سرمایه داری به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید تا ایجاد شکاف در میان طبقه کارگر و تقسیم طبقه به بخشهای مختلف محروم و محرومتر و اشاعه عقاید کهنه پرستانه و ارتجاعی به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. سود انجیل سرمایه است. سود مذهب سرمایه است. سود قانون اساسی سرمایه است. همین ضرورت بازتولید و بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. برخلاف دیدگاههای سطحی رایج فمینیستی و رفرمیستی زن ستیزی مسئله ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی واپسگرا نیست، بلکه مسئله ای اقتصادی و اجتماعی است. زن ستیزی به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری اند و توسط نقاره کشان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار و تاریخ فکران دانشگاهی بازتولید میشوند. اساس این نظام بر تبعیض و نابرابری و بهره کشی فرد از فرد مبتنی است و ستم بر زن در جامعه و در خانواده یک رکن نظام استثمارگر سرمایه داری است. برای آزادی و رهایی کامل زنان باید ریشه این نظام را زد.

و تاکید یک نکته اینجا مهم است: مبارزات برای بهبود و تغییر قوانین به نفع زنان فوری و حیاتی است و

صفحه 6

خانواده خودسوزی کردند و یا در "سوانح آشپزخانه ای" شمارش شده اند! این نوع آمارها را با میزان خشونت در جامعه و اعدام و سنگسار و کشتن زیر شکنجه و قتل ناموسی و زن کشی در اسلام جمع بزنید. واقعا کدام جنگ در دنیا به اندازه کشتار زنان قربانی دارد؟ سوال اینست این جهاد ارتجاعی زن کشی به کدام منافع خدمت میکند؟ و یادمان باشد که ما در دوره انگیزاسیون و ارتجاع قرون وسطی زندگی نمیکنیم. ما در دنیای زندگی میکنیم که فریب دو سوم تولید و ثروت اجتماعی محصول کار زنان است. چرا در عصر انفورماتیک و قرن بیست و یکم و بدنبال مبارزات نسلهای متمادی برای آزادی و برابری هنوز زن بودن فی النفسه جرم است و باید این تاوان را پس داد؟

تردیدی نیست که ستم بر زنان با تاریخ بشر عجین بوده است. اما تاریخ عتیق هرچه بوده و هر سنت کثیفی را برای ما به ارث گذاشته است، امروز قرنهایست که در دنیای سرمایه داری زندگی میکنیم. و میدانیم که سنتهای بسیار جان سخت تر و هرچه که سد راه گسترش بازار و سود سرمایه بوده است کنار زده شده و لغو شده است. منشا این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری کجاست و چرا این فرهنگ منحط هر روز بازتولید میشود؟ حقیقت اینست که پاسخ سوال همینجاست: در نظام سرمایه داری. اگر هنوز علیرغم مبارزات جنبشهای پیشرو، ستم بر زن و خشونت علیه زن و نابرابری زن و مرد در قلمروهای مختلف یک واقعیت زشت دنیای امروز است؛ باید منفعتی روشن در نظام اقتصادی - اجتماعی امروز یعنی نظام سرمایه داری داشته باشد.

واقعیت اینست که ستم بر زن یک رکن انباشت سرمایه است. از کار خانگی تا تر و خشک کردن کارگر خسته ای که باید

خانها و آقایان، حضار محترم! ضمن خیرمقدم دهمین سالگرد تشکیل سازمان آزادی زن را به شما و به فعالین و دست اندرکاران جنبش آزادی زن صمیمانه تبریک میگویم. این مراسم در آستانه 8 مارس، روز جهانی زن برگزار میشود. پیشاپیش روز زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه در سراسر جهان تبریک میگویم. واضح است برای ما 8 مارس صرفاً یک یادواره و مراسم "تکریم" از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادیخواهانه نیست، بلکه جبهه ای قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تحجر و نابرابری است. و تا زمانی که هنوز ذره ای از تبعیض و نابرابری براساس جنسیت وجود دارد پرچم 8 مارس، پرچم آزادی و برابری بیقید و شرط زن و مرد باید برافراشته باشد. آرزوی همه ما اینست در دنیای زندگی کنیم که دیگر جنگی برای 8 مارس ضروری نباشد. دنیایی که در آن تبعیض براساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب ماندگی تاریخی دیگری ور افتاده باشد.

اما متأسفانه داستان زندگی بشر امروز با جنایت و خشونت و توحش عجین است. و با هر 8 مارس بار دیگر چشمها بسوی موقعیت تحت انقیاد زن خیره میشود. وضعیت دنیای امروز بگونه ای است که دیگر بحث از تبعیض براساس جنسیت و نابرابری اقتصادی حق مطلب را در مورد موقعیت زنان بیان نمیکند. زن ستیزی در مقیاس پنج قاره بیداد میکند. در کشورهای اسلام زده و مذهب زده خشونت و زن کشی حتی ادوار بردگی بشر را رو سفید کرده است. دو سال پیش آمار یک مجله پزشکی در گزارشی در باره هندوستان عنوان کرده بود که؛ "تنها در سال گذشته 100 هزار زن هندی سوخته اند!" من در مورد افغانستان و عراق و سومالی و ایران حرف نمیزنم بلکه در باره هندوستان کشور عزیز دردانه دمکراسی و یکی از غولهای اقتصادی حرف میزنم. این زنان یا توسط شوهران به آتش کشیده شده اند، یا زیر فشار اعضای

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!

پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بی حقوقی زن تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات کاذب و هویتهای کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات برای نفی تبعیض و نابرابری است. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن نه جنبشی که قرار است متحد این و آن شود و یا تاکتیکی به این و آن هدف خدمت کند بلکه راسا یک رکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است.



و بالاخره سازمان آزادی زن امروز یک نقطه امید است و باید به اهداف بزرگ در جدالهای اجتماعی فکر کند. امروز که جنبش ملی - اسلامی و پرچمداران بریدن سر این جنبش در قصابخانه اسلام تماما ورشکست شده اند، امروز که برای هزارمین بار ثابت شده است که اسلام ضد حقوق زن است، امروز که زنان بیش از هر زمانی در جنگ با رژیم اسلامی بعنوان مختلف تلاش میکنند، یک پتانسیل قوی انقلابی در جامعه وجود دارد که باید توسط یک سیاست انقلابی بسیج شود و بمیدان آید. این امر سازمان آزادی زن است و پیشروی جنبش آزادی زن در گرو پاسخ به این سوال مهم است. این سازمان میتواند و باید این افق را داشته باشد که پرچمدار آزادی زن در ایران و الگویی برای رهائی زنان در کشورهای منطقه باشد.

بار دیگر دهمین سالگرد تشکیل سازمان آزادی زن را تبریک میگویم. زنده باد سازمان آزادی زن! زنده باد روز جهانی زن!

23 فوریه 2013

هر سوسیالیست و کمونیست جدی در آفریقای جنوبی دوران نژاد پرستی الغای فوری آپارتاید بود و نفی آپارتاید نژادی را یک گام مهم در انکشاف و بسط مبارزه طبقاتی میدانست، در ایران اسلام زده نیز نفی آپارتاید اسلامی یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن برای تحقق برابری سوسیالیستی است. در کشورهایی که هویت انسانی نیمی از جامعه رسما و قانونا برسمیت شناخته نمیشود، امر بلافصل سوسیالیسم و کمونیسم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد. درک این نکته در تعیین سیاست و تاکتیک مبارزاتی جنبش آزادی زن بسیار مهم است.

یک تفاوت دیگر اینست که مسئله زن در ایران و کشورهای منطقه یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی است. این مشخصه بویژه با رویدادهای مصر و تونس و مقاومت زنان در تقابل با اسلامیون تحفه دمکراسی غربی بیش از هر زمان برجسته میشود. زن ستیزی، حجاب، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. "انقلاب زنانه" علیه این وضعیت کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادیخواهی سوسیالیستی در منطقه خواهد شد. پیروزی بر آپارتاید اسلامی در ایران زنان را بعنوان یک بازیگر مهم اجتماعی علیه اسلام و سرمایه داری در معادلات بین المللی طرح میکند و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین و مدرنترین جنبش مقابل بشریتی میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از کثافات سرمایه داری است.

در 8 مارس باید بر خواستهای فوری و

ما کمونیستها و فعالین جنبش آزادی زن باید در صف اول هر مبارزه برای بهبود قانونی حقوق و حرمت زنان باشیم. اما باید بین هر تغییر و اصلاحی به نفع زنان رابطه روشنی با نفی ریشه ستم بر زن در جامعه طبقاتی امروز برقرار کرد. دیدگاههایی که هر نوع بهبود فوری موقعیت زنان را به سوسیالیسم حواله میدهند، همبطور دیدگاههایی که تلاش دارند سازشی بین خواستهای زنان و جامعه موجود برقرار کنند، هر دو و هر کدام بنوعی افق پیشروی این جنبش را مخدوش میکنند. اولی از سوسیالیسم درکی "امام زمانی" دارد در صورتی که سوسیالیسم یک جنبش واقعی و جاری برای تغییر است و کل دستاوردهای تاکتونی جوامع بشری اساسا محصول مبارزه نسلهای متمادی کارگران و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی است. دومی رفرمیستی است چون افق آزادی زن را در چهارچوب نظم کنونی قالب میزند. برای کمونیسم و برابری طلبی سوسیالیستی نه فقط مبارزه برای بهبود و اصلاحات و تغییر پایه ای و ریشه ای تناقضی ندارد بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. زن باید بعنوان انسان برابر از قید هر نوع ستم آزاد شود. زن بعنوان انسان برابر نباید شرایط خفت بار موجود را بپذیرد.

یک مسئله اساسی دیگر موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و مصافهای جنبش آزادی زن در این جوامع است. اینجا تفکیک مثلا ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با کشورهای اروپائی و آمریکائی تا آنجا که به تعیین سیاستها و جایگاه جنبش آزادی زن برمیگردد بسیار حیاتی است. در اروپای غربی بعنوان مثال امر برابری حقوقی کمابیش محقق شده است و مسئله برابری اقتصادی در قلمروهای مختلف صورت مسئله سوسیالیستها است. در ایران و کشورهای اسلام زده همین سیاست ناکافی است. تکرار صرف بحث درست برابری اقتصادی در کشوری مانند ایران و در عین حال بی توجه بودن به اهمیت تقابل با حاکمیت اسلامی بعنوان یک ابزار مهم قدرت سرمایه داری، عملا جنبش آزادی زن را در مقابل شمشیر خونین اسلام خلع سلاح میکند. در کشورهای اسلام زده که آپارتاید جنسی یک رکن حاکمیت سرمایه داری است، فرودستی زن از جنس نژاد پرستی و سلب هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. همانطور که سیاست و شعار

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



حکومت ضد زن سرنگون، سرنگون!

بمناسبت دهمین سالگرد تشکیل سازمان آزادی زن

سمینار موقعیت زنان و جنبش اسلامی در خاورمیانه و آفریقای شمالی برگزار شد!



2013. 02. 23

بمناسبت دهمین سالگرد تاسیس سازمان آزادی زن، روز شنبه ۲۳ فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد، سمیناری تحت عنوان "موقعیت زنان و جنبش اسلامی در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اسلام و خشونت علیه زنان" برگزار گردید. سخنرانان این کنفرانس آذر ماجدی، سیاوش دانشور، شهلا نوری و کریم نوری بودند.

در ابتدا مریم کوشا به حاضرین خوشامد گفت و مختصراً به سابقه فعالیت های درخشان سازمان آزادی زن اشاره کرد. پس از آن آذر ماجدی بعنوان افتتاحیه در رابطه با ده سال فعالیت سازمان آزادی زن کرد. آذر ماجدی گفت که سازمان آزادی زن افتخار می کند که طی ده سال گذشته پرچم رادیکالیسم و سازش ناپذیری جنبش آزادی زن را بدست گرفته است. سازمان آزادی زن طی یک دهه با قاطعیت و با تمام قوا علیه اسلام سیاسی، رژیم اسلامی، برای سکولاریسم، آزادی و برابری کامل و واقعی زن و مرد مبارزه کرده است. همواره هشیار بوده که در مقابل تلاشهای راست، چه جنبش ملی - اسلامی و چه جریانات سکولار راست بین المللی بر رادیکالیسم پیگیر خویش پای فشارد.

سازمان آزادی زن در مقابله با تلاشهای تروریسم دولتی برای حاکم کردن سکولاریسم راست بر جنبش ضد اسلامی، اعلام کرد که سکولاریسم به تنهایی کافی نیست و ما باید در کنار سکولاریسم چپ قرار بگیریم. این مبحث در سطح بین المللی، بویژه در فرانسه مورد استقبال جدی قرار گرفت. آذر ماجدی اعلام کرد که رادیکالیسم سازمان آزادی زن از تعلقش به جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت نشات می گیرد. بدنبال سخنرانی آذر ماجدی یک اسلاید شو از فعالیت های سازمان آزادی زن به نمایش گذاشته شد.

سخنران بعدی شهلا نوری بود که ضمن درود بر تمام کسانی که در راه آزادی و برابری مبارزه کرده اند، به نقش جنبش آزادی زن و مضحکه انتخاباتی که در پیش

ایران و در خیزش های اخیر در منطقه به نمایش درآمد. سپس آذر ماجدی درباره نقش جنبش آزادی زن بعنوان آنتی تز جنبش اسلامی و اسلام سیاسی صحبت کرد. او گفت که چه در ایران و چه اکنون در منطقه جنبش آزادی زن یک ستون مهم و تعیین کننده مبارزه علیه اسلامیت ها و برای ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه است. وی همچنین گفت که جنبش آزادی زن در ایران در پیشاپیش جنبش آزادی زن در منطقه قرار دارد.

سمینار با جشنی بمناسبت دهمین سالگرد سازمان آزادی زن دنبال شد. ویدیوی سخنرانی ها بزودی در سایت سازمان آزادی زن و در یوتیوب قابل دسترسی خواهد بود. اسلاید شو فعالیت سازمان آزادی زن را در لینک زیر می توان مشاهده کرد:

<http://www.youtube.com/watch?v=TiepSnxdu5g>

سازمان آزادی زن

۲۷ فوریه ۲۰۱۳

است اشاره کرد و گفت که این جنبش مانند سال ۱۳۸۸ می تواند نقش مهمی در این رابطه ایفاء کند. وی سپس مختصراً درباره خشونت گسترده ای که در جامعه به زن اعمال می شود صحبت کرد.

سپس سیاوش دانشور در باره جامعه سرمایه داری و خشونت بر زنان و مشخصاً هویت ضد اسلامی جنبش آزادی زن در ایران و منطقه سخنرانی کرد. وی ضمن بررسی ابعاد گسترده خشونت بر زنان در جامعه سرمایه داری تاکید کرد اگر برای بورژوازی ستمکشی زن یک رکن انباشت سرمایه است و همین ضرورت بازتولید نگرش تبعیض گر و ضد زن در این نظام را توضیح میدهد، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. سیاوش دانشور به ماهیت ضد اسلامی جنبش آزادی زن در ایران و منطقه پرداخت و بر اهمیت سیاستها و چهارچوب انتقادی جنبش آزادی زن بعنوان یک رکن اعتراض سوسیالیستی تاکید کرد.

پس از آن کریم نوری در رابطه با نقش و اهمیت رادیکالیسم سازمان آزادی زن در جنبش آزادی زن و در مبارزه علیه رژیم اسلامی صحبت کرد. آنگاه یک اسلاید شو در زمینه مبارزات جنبش آزادی زن در

زنده باد آزادی زن!